



Designing and Evaluating the Structural Model of Dark Personality Traits of Students Based on Childhood Trauma and the Mediating Role of Early maladaptive schemas.

Seyfollah Aghajani¹, Shayan Noori Lasaki², Reihaneh Afkhami³, Mohammad Zarei Nouroozi^{4*}

1. Professor of psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabil University, Ardabil, Iran.
2. MA. of Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabil University, Ardabil, Iran.
3. Bachelor student, Department of Psychology, Kavian Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.
4. MA. of psychology and education of exceptional children, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabil University, Ardabil, Iran.

Citation: Aghajani, S., Noori Lasaki, S., Afkhami, R., & Zarei Nouroozi, M. (2024). Designing and Evaluating the Structural Model of Dark Personality Traits of Students Based on Childhood Trauma and the Mediating Role of Early maladaptive schemas. *Clinical Psychology Achievements*, 10(4), 53-66.

Abstract

The present research was conducted with the aim of evaluating and testing the structural model of dark personality traits of students based on childhood trauma and the mediating role of early maladaptive schemas. In terms of purpose, this study was applied and in terms of the method of doing it, it was a descriptive correlation of the type of structural equations. The research community consisted of all male and female students of Mohaghegh Ardabili University in the academic year of 1402-1403, and 305 of them were selected as available. Data collection tools for questionnaires of dark personality traits (SD3); were early maladaptive schemas (SQ-SF) and childhood trauma (CTQ). To describe the findings, mean and standard deviation were used, and Pearson's correlation tests and structural equation models were used to infer information using SPSS-27 and AMOS-24 software. The results of this research showed that the conceptual model of the research has a favorable fit ($\chi^2/df=2.9$, RMSEA=0.08, SRMR=0.06, GFI=0.93, AGFI=0.91, CFI=0.93) and that childhood trauma affects the occurrence of dark personality traits both directly (β ; 0.20; $p<0.01$) and indirectly through the mediating role of early maladaptive schemas (β ; 0.31; $p<0.01$). These results can be used to design interventions aimed at preventing the occurrence of harmful consequences of dark personality traits.

Keywords: Dark Personality Traits, Childhood Trauma, Maladaptive Schemas, Students, Structural Equations.

* Corresponding Author: Mohammad Zarei Nouroozi

E-mail: m.zareiii.n.1997@gmail.com



© 2024 The Author(s). Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



طراحی و ارزیابی مدل ساختاری صفات تاریک شخصیت دانشجویان براساس ترومای دوران کودکی و نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه

سیف‌الله آقاجانی^۱، شایان نوری لاسکی^۲، ریحانه افخمی^۳، محمد زارعی نوروزی^{۴*}

۱. استاد تمام، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی، گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی کاویان، مشهد، ایران.

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده

تحقیق حاضر با هدف ارزیابی و آزمون مدل ساختاری صفات تاریک شخصیت دانشجویان بر اساس ترومای دوران کودکی و نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه انجام شد. این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش انجام نیز توصیفی-همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمام دانشجویان دختر و پسر دانشگاه محقق اردبیلی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها تعداد ۳۰۵ نفر به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌های صفات تاریک شخصیت (SD3)؛ طرحواره‌های ناسازگار اولیه (SQ-SF) و ترومای کودکی (CTQ) بود. برای توصیف یافته‌ها از میانگین و انحراف استاندارد و برای استنباط اطلاعات نیز از آزمون‌های هم‌بستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای SPSS-27 و AMOS-24 استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازندگی مطلوبی برخوردار بوده ($\chi^2/df = 2/9$) و ($p < 0/01$) و هم به‌صورت غیرمستقیم و از طریق نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بروز صفات تاریک شخصیت اثرگذار هستند ($\beta = 0/31$; $p < 0/01$). از این نتایج می‌توان برای طراحی مداخلات درمانی با هدف پیشگیری از بروز پیامدهای آسیب‌زای صفات شخصیتی تاریک استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: ترومای دوران کودکی، دانشجویان، صفات تاریک شخصیت، طرحواره‌های ناسازگار، معادلات ساختاری.

* نویسنده مسئول: محمد زارعی نوروزی

رایانامه: m.zareiii.n.1997@gmail.com

مقدمه

طی سالیان اخیر چارچوب‌های نظری متعددی برای کشف و شناسایی شخصیت و الگوهای مختلف آن معرفی شده‌اند که هر یک دیدگاه‌ها و بینش‌های سازمان‌یافته‌ای را ارائه نموده‌اند اما بسیاری از این مطالعات در بررسی الگوهای رفتاری انسان‌ها بر صفات شخصیتی مثبت متمرکز شده‌اند با این حال، تکیه و وابستگی صرف به این چارچوب ناکافی بوده و خلأ اساسی را به وجود آورده است، زیرا مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از رفتارهای انسان‌ها ناشی از صفات شخصیتی تاریک^۱ آن‌هاست (Jonason & Zeigler-Hill, 2018). این ساختار شامل سه ویژگی کلیدی خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و ماکیاولی‌گرایی^۲ است که هر یک از آن‌ها اغلب با تمایل به خشونت و پرخاشگری، فریبکاری، سوءاستفاده از دیگران و بی‌توجهی به حقوق آن‌ها همراه هستند (Ardic & Ozsoy, 2016). خودشیفتگی عمدتاً با تکبر و خودبزرگ‌بینی، میل به تسلط و سوءاستفاده از دیگران مشخص می‌شود (George & Short, 2018). از سوی دیگر، صفت ماکیاولیسم نیز بیانگر نگرش منفی نسبت به ماهیت انسان و روابط بین فردی می‌باشد. افراد دارای این ویژگی عمدتاً به دنبال کنترل و استثمار دیگران برای دستیابی به منافع شخصی خود هستند. در نهایت، جامعه‌ستیزی نیز با فقدان احساس گناه یا پشیمانی همراه با بی‌توجهی به هنجارها و مسئولیت‌های اجتماعی مشخص می‌شود (Muris et al, 2017).

روان‌شناسان تکاملی و پژوهشگران معتقدند که الگوی ویژگی‌های تاریک شخصیت همچون سایر صفات شخصیتی تأثیرهای متنوعی را برای فرد به‌همراه داشته و با مشکلات و چالش‌های متنوعی مخصوصاً در روابط بین‌فردی همراه هستند (Atadokht et al., 2024). در همین مورد مطالعات مختلف نشان داده‌اند که صفات تاریک شخصیت با افزایش ریسک بروز مشکلات مختلفی نظیر: افکار خودکشی^۳ (Wilson et al., 2023)؛ پرخاشگری سایبری^۴ (Abusaeedi Jirofti et al., 2024)؛ استفاده مشکل‌ساز از اینترنت (Kircaburun & Griffiths, 2018)؛ رفتارهای ضداخلاقی (Harrison et al., 2018) و خودجرحی^۵ (Greitemeyer & Sagioglou, 2021) همراه هستند.

پیامدهای آسیب‌زای صفات تاریک شخصیت بررسی عمیق‌تر این مسئله با هدف شناسایی عوامل مرتبط با آن را بیش‌ازپیش ضروری می‌سازد. در تبیین این صفات شخصیتی عوامل مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در این بین نقش تجارب دوران کودکی و تأثیرهای آن در دو قالب اصلی ترومای دوران کودکی^۶ (Kircaburun & Griffiths, 2018)؛ و طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۷ (Kim, 2020; Judith Ray & Abdollahi et al., 2021; Shirazi Ferdowi et al., 2024) غیرقابل‌انکار است. کودکان به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه شناخته می‌شوند زیرا به‌طور مداوم در معرض خطر سوءرفتار از سوی افراد مختلف در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی قرار دارند (Sayyad Shirazi et al., 2023). در طول سال‌های اولیه زندگی کودکان آگاهی و حساسیت بیشتری نسبت به محیط اطراف خود نشان می‌دهند و به‌طور فعالانه نیز اطلاعات محیط را جذب و تفسیر می‌کنند. در جریان این فرآیند تصور و بینش آن‌ها از جهان شکل می‌گیرد در نتیجه تجربه هرگونه بدرفتاری در این سنین موجب ایجاد افکار آسیب‌زا یا ایده‌های منفی در مورد خود، دیگران یا محیط‌شان شده و این افکار منفی نیز می‌تواند منجر به اثرهای بلندمدت قابل توجهی بر رفتار و عملکرد آینده آن‌ها در بزرگسالی شود (Ravishankar & Sathiyaseelan, 2020).

در سال ۱۹۸۸، Centers for Disease Control and Prevention در ایالات متحده اصطلاح "سوء استفاده اولیه یا ترومای کودکی" را برای توصیف تجربیات ناراحت‌کننده و آسیب‌زای دوران کودکی معرفی نمود. این مفهوم شامل طیف وسیعی از تجربیات دردناک از جمله آسیب‌های جسمی و عاطفی، سوءاستفاده جنسی، غفلت و محرومیت عاطفی و فیزیکی

1. dark personality traits
2. Narcissism, anti-social & machiavellianism
3. suicidal thoughts
4. cyber aggression
5. self-harm
6. childhood trauma
7. early maladaptive schemas

می‌باشد (Brown et al., 2021). چنین تجربیات نامطلوبی به‌عنوان مهم‌ترین و مشکل‌سازترین چالش‌های دوران کودکی شناخته می‌شوند، چالش‌هایی که عدم توجه و رسیدگی به آن‌ها موجب ایجاد مشکلات جدی‌تر و بلندمدتی در افراد می‌شود. در همین راستا تحقیقات قبلی پیامدهای مهم مرتبط با تجربیات آسیب‌زای دوران کودکی را شناسایی کرده‌اند که شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی تاریک از مهم‌ترین این پیامدها می‌باشد. در همین زمینه طی تحقیقات (2021) Abdollahi et al. که بر روی ۲۵۰ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شده بود این نتیجه حاصل آمد که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی اثر مستقیم قابل توجهی را بر شکل‌گیری صفات تاریک شخصیتی دارند.

علاوه بر ترومای کودکی عامل دیگری که در ارتباط با بروز صفات تاریک شخصیت مورد بررسی قرار گرفته است، مفهوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌باشد که به دلیل اثرپذیری این طرحواره‌ها از ترومای دوران کودکی (Pilkington, 2021; Kim, 2020; May et al., 2022; Spirou et al., 2022) و نیز اثرگذاری آن‌ها بر شکل‌گیری صفات تاریک شخصیت (Judith et al., 2024; Güleç & Yıldız, 2024) نقش واسطه‌ای آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. طرحواره‌ها ساختارهای شناختی اساسی هستند که در اوایل زندگی و بر اساس ادراک از واقعیت و تجربیات شخصی ایجاد می‌شوند (Baldassano et al., 2018).

اساساً طرحواره‌ها به‌عنوان چارچوب و بازنمایی‌های ذهنی از وقایع اولیه زندگی تعریف می‌شوند که دارای ساختاری عمیق و ریشه‌دار بوده، در طول دوران زندگی و بزرگسالی ثابت باقی می‌مانند و به‌طور قابل توجهی نیز بر جنبه‌های مختلف رفتار فرد تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، طرحواره‌ها تأثیر بسزایی را نیز در شکل‌گیری نگرش‌ها، افکار و عواطف فرد دارند (Ebrahimi et al., 2023). این سازه‌های اولیه بنا بر ماهیت و چگونگی شکل‌گیری و اثرگذاری به دو دسته اصلی سازگاران و ناسازگار تقسیم‌بندی می‌شوند (Baldassano et al., 2018). طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای شناختی منفی و باورهای ناکارآمدی را در برمی‌گیرد که فرد نسبت به خود، دنیای اطراف و روابط با دیگران ایجاد نموده است. این طرحواره‌ها عمدتاً در پاسخ به تجربیات نامطلوب دوران کودکی، نیازهای عاطفی برآورده نشده و گرایش‌های عاطفی یا ویژگی‌های ذاتی فرد پدید می‌آیند (May et al., 2022).

در مجموع ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به پنج گروه مجزا طبقه‌بندی کرد که به‌عنوان حوزه‌های عمل طرحواره شناخته می‌شوند. طرحواره قطع ارتباط و طرد^۱ (رها شدن/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت عاطفی، نقص/شرم و انزوا/بیگانگی اجتماعی)^۲؛ اختلال در خودمختاری و عملکرد^۳ (شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، خود رشد نایافته یا گرفتاری و آسیب‌پذیری در برابر آسیب/بیماری^۴)؛ محدودیت‌های ناکارآمد^۵ (استحقاق/ بزرگ‌منشی^۶، ناتوانی در کنترل خود) ناکافی بودن خودکنترلی و انضباط شخصی^۷؛ طرحواره جهت‌مندی نسبت به دیگران^۸ (اطاعت، ازخودگذشتگی (ایثار) و تأیید خواهی بیش‌ازحد)؛ مراقبت بیش‌ازحد و بازداری از پاسخ^۹ (منفی‌گرایی/بدبینی، بازداری عاطفی، استانداردهای سفت‌وسخت/ انتقاد شدید از خود، و نگرش‌های تنبیهی^{۱۰}) (Spirou et al., 2022).

طرحواره‌ها معمولاً در زیر سطح آگاهی عمل کرده و افراد را از نظر روانی در برابر مسائل و مشکلات مختلف آسیب‌پذیر و مستعد می‌سازند؛ در همین زمینه مطالعات (Güleç and Yıldız (2024) که بر روی ۴۲۶ نفر از دانشجویان کشور ترکیه انجام شده بود این نتیجه حاصل آمد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه اثر قابل ملاحظه‌ای را بر بروز صفت شخصیتی

1. cut and rejection

2. abandonment/instability, mistrust/misbehavior, emotional deprivation, defect/shame, social isolation/alienation

3. impaired self-management and functioning

4. dependency/incompetence, vulnerability to loss/illness

5. limitations Disturbed

6. entitlement/grand secretary

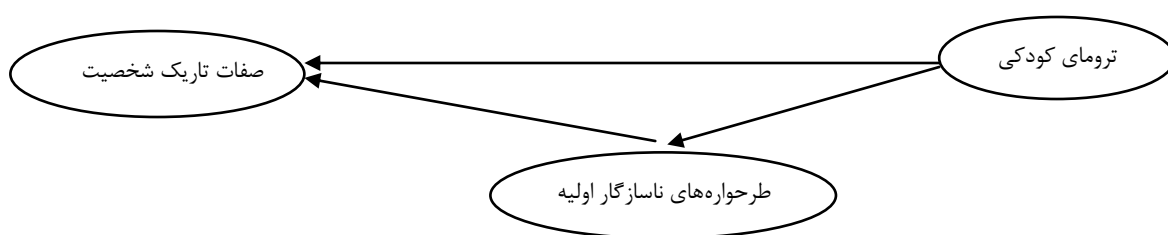
7. insufficient self-control and self-discipline

8. other-oriented

9. listening to excessive bells and inhibitions

10. negativity/cynicism, emotional inhibition, stubborn standards/ Extreme fault-finding, punishment

خودشیفتگی به‌عنوان یکی از صفات تاریک شخصیت دارند. همچنین طی مطالعات (Judith Ray and Fritzson 2024) نیز نشان داده شد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش معنی‌داری را در پیش‌بینی صفات شخصیتی تاریک ایفاء می‌کنند. با عنایت به تمام مطالب بیان شده باید اشاره نمود که صفات سه‌گانه تاریک شخصیت (خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی و ماکیاولیسم) اغلب با الگوهای شناختی-رفتاری پرخاشگری، فریبکاری و سوءاستفاده از دیگران همراه هستند. ویژگی‌هایی که می‌توانند اثرات مخربی را بر روابط میان‌فردی بر جای گذاشته و سلامت جسمانی و روانی فرد را مختل سازند. این قبیل پیامدهای آسیب‌زا انجام پژوهش در این حوزه را ضروری می‌سازد. از طرفی تحقیق در مورد صفات شخصیتی تاریک برای درک این پدیده و عوامل مؤثر بر آن، پیشگیری از بروز پیامدهای ناسازگارانه آن و بهبود روابط میان‌فردی ضروری است. از سوی دیگر با توجه به فقدان پژوهش‌های کافی در بررسی متغیرهای این پژوهش در قالب یک مدل منسجم با نقش میانجی‌گرانه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تحقیق حاضر با هدف ارزیابی و آزمون مدل ساختاری صفات تاریک شخصیت دانشجویان بر اساس ترومای دوران کودکی و نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در قالب مدل مفهومی زیر انجام شد.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

مطالعه حاضر از منظر هدف، کاربردی و از منظر روش انجام نیز توصیفی-هم‌بستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این مطالعه را تمام دانشجویان دختر و پسر دانشگاه محقق اردبیلی تشکیل می‌دادند که در تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در رشته‌ها و مقاطع مختلف این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشتند. حجم نمونه مناسب در پژوهش‌های معادلات ساختاری می‌بایست حداقل ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شود، اما با توجه به احتمال وجود پرسشنامه‌های مخدوش و به‌منظور افزایش شانس تعمیم‌پذیری یافته‌های احتمالی، ۳۱۰ نفر از دانشجویان به‌صورت در دسترس برگزیده شدند که پس از حذف ۵ پرسشنامه غیرمعتبر، تعداد نمونه اصلی به ۳۰۵ نفر کاهش یافت. فرآیند جمع‌آوری داده‌ها به این صورت بود که ابتدا پرسشنامه‌های مربوطه در گوگل فرم تدوین شد، سپس از طریق فضای مجازی در گروه‌های دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی اقدام به توزیع پرسشنامه شد و پس از ارائه توضیحات مربوط به اهداف پژوهش، از دانشجویان تقاضا گردید تا نسبت به تکمیل آن اقدام نمایند. ملاک‌های ورود به پژوهش دانشجوی دانشگاه محقق اردبیلی، رضایت و تمایل به حضور در مطالعه و دسترسی به فضای مجازی (و شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام و ایتا) و ملاک خروج از پژوهش نیز مخدوش بودن اطلاعات فرد یا تکمیل ناقص پرسشنامه (عدم توجه دقیق به سؤالات و انتخاب یک پاسخ برای تمام سؤالات) بود. در این مطالعه امکان دسترسی به نتایج پرسشنامه برای داوطلبان، رعایت اصل رازداری و امانت‌داری به‌عنوان اصول اخلاقی پژوهش مدنظر پژوهشگران قرار داشت. در نهایت و پس از دستیابی به نمونه موردنیاز، اطلاعات جمع‌آوری‌شده در دو سطح توصیفی: میانگین، انحراف استاندارد و استنباطی: آزمون همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزارهای SPSS-27 و AMOS-24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه صفات تاریک شخصیت (Short Dark Triad): پرسشنامه صفات تاریک شخصیت توسط Jonason and

Webster (2010) برای سنجش سه ویژگی شخصیت ماکیاولیسم (گویه‌های ۱ تا ۴)، خودشیفتگی (گویه‌های ۹ تا ۱۲) و جامعه‌ستیزی (گویه‌های ۵ تا ۸) تدوین گشت. این پرسشنامه دارای ۱۲ عبارت بوده و در یک طیف ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شود. (Jonason and Webster (2010) پایایی این پرسشنامه را از طریق ضریب همسانی درونی بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ گزارش نمودند. همچنین Czarna et al. (2016) پایایی درونی این پرسشنامه را برای مؤلفه ماکیاولیسم ۰/۸۳، روان‌پریشی ۰/۶۴ و خودشیفتگی ۰/۸۱ محاسبه نمودند. در ایران نیز Yousefi and Piri (2016) پس از ترجمه و هنجاریابی، پایایی این پرسشنامه برای عامل خودشیفتگی: ۰/۷۷، ماکیاولیسم: ۰/۷۲، جامعه‌ستیزی: ۰/۶۸ و برای کل مقیاس: ۰/۷۶ گزارش نمودند. در این پژوهش نیز پایایی این ابزار برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ و برای مؤلفه‌های ذکر شده به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۷۹ محاسبه شد.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (Schema Questionnaire Short Form): Young et al. (2003) پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تدوین و در سال ۲۰۰۳ نسخه کوتاه و تجدید نظر شده آن را ارائه کردند. فرم کوتاه این پرسشنامه دارای ۷۵ گویه بوده و ۱۵ طرحواره ناسازگار یا در پنج حوزه عمل طرحواره‌ای مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های مربوط به هر طرحواره عبارتند از: ۱. طرحواره قطع ارتباط و طرد (گویه‌های ۱ الی ۲۵)، ۲. طرحواره اختلال در خودمختاری و عملکرد (گویه‌های ۲۶ الی ۴۵)، ۳. طرحواره جهت‌مندی نسبت به دیگران (گویه‌های ۴۶ الی ۵۵)، ۴. طرحواره مراقبت بیش‌ازحد و بازداری از پاسخ (گویه‌های ۵۶ الی ۶۵) و ۵. طرحواره محدودیت‌های ناکارآمد (گویه‌های ۶۶ الی ۷۵). نمره‌گذاری این پرسشنامه براساس یک طیف لیکرتی ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌پذیرد. (Waller et al. (2001) روایی سازه این ابزار را از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی و مطلوب گزارش نموده و پایایی آن را نیز از طریق همسانی درونی بررسی و ۰/۹۶ گزارش نمودند. در ایران نیز این پرسشنامه توسط Ahi et al. (2007) بررسی و هنجاریابی شد. در آن مطالعه روایی سازه این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی تأییدی بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ در محدوده ۰/۶۹ تا ۰/۸۳ گزارش شد. همچنین در مطالعه Lorzangeneh and Soleimani (2022) پایایی این ابزار ۰/۸۱ گزارش شد. در این تحقیق نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه در سطح ۰/۸۲ به دست آمد.

ترومای کودکی (childhood Trauma Questionnaire): Bernstein et al. (2003) ابزار سنجش ترومای دوران کودکی را تدوین نمودند. این پرسشنامه دارای ۲۸ عبارت بوده و تجارب آسیب‌زای سنین ابتدایی را براساس پنج خرده مقیاس سوءاستفاده و اذیت جسمانی (سؤالات ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۱ و ۹)، آزار عاطفی (سؤالات ۲۵، ۱۸، ۱۴، ۸ و ۳)، آزار جنسی (سؤالات ۲۷، ۲۴، ۲۳، ۲۱ و ۲۰)، اهمال‌کاری جسمانی (سؤالات ۲۶، ۶، ۴، ۲ و ۱) و غفلت عاطفی (سؤالات ۲۸، ۱۹، ۱۳، ۷ و ۵) مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های ۲۲، ۱۶ و ۱۰ متعلق به هیچ خرده مقیاسی نبوده و برای افرادی به کار می‌رود که قصد انکار تجارب خود را دارند. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر مبنای یک طیف لیکرتی پنج درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) انجام می‌گیرد. (Bernstein et al. (2003) پایایی این ابزار را به شیوه بازآزمایی و همسانی درونی بررسی و در سطح بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ مطلوب گزارش نمودند. به علاوه روایی هم‌زمان آن نیز با درجه‌بندی درمانگران از میزان وقایع آسیب‌زای کودکی، بین ۰/۵۹ تا ۰/۷۸ گزارش شد. در ایران نیز Ebrahimi et al. (2013) ضمن ترجمه و هنجاریابی این پرسشنامه روایی آن را مطلوب و پایایی آن را نیز به روش همسانی درونی بین ۰/۸۱ تا ۰/۹۸ گزارش نمودند. همچنین Mirdrikvand (2023) نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۸۹ گزارش نمود. در این مطالعه نیز پایایی این ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی و برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ برای مؤلفه‌های ذکر شده به ترتیب در سطح ۰/۸۷، ۰/۸۸، ۰/۹۱ و ۰/۷۷ و ۰/۸۵ گزارش شد.

یافته‌ها

در این مطالعه تعداد ۳۰۵ نفر از دانشجویان شرکت داشتند که از بین آن‌ها ۲۴۸ نفر معادل ۸۱ درصد را دانشجویان دختر

و ۵۷ نفر معادل ۱۹ درصد را دانشجویان پسر تشکیل می‌دادند. علاوه بر آن از میان نمونه مورد مطالعه ۱۶۷ نفر معادل ۵۵ درصد دانشجویان مقطع کارشناسی؛ ۱۰۶ نفر معادل ۳۵ درصد را دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و ۳۰ نفر معادل ۷ درصد را دانشجویان مقطع دکتری تشکیل می‌دادند. در ادامه و در جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای مطالعه از جمله میانگین، انحراف معیار، ضرایب کجی و کشیدگی و علاوه بر آن ضرایب هم‌بستگی گزارش شده است.

جدول ۱. جدول توصیفی و ماتریس هم‌بستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳
۱. ویژگی‌های تاریک شخصیت	۱۲	۶۲	۳۵/۳	۴/۳	۰/۲	-۰/۳	۱		
۲. ترومای دوران کودکی	۳۰	۱۱۸	۴۹/۲	۱۱/۴	۱/۲	۱/۶	۰/۳۳**	۱	
۳. طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۷۵	۳۳۲	۱۸۵/۶	۱۸/۹	۰/۳	-۰/۴	۰/۴۹**	۰/۴۳**	۱

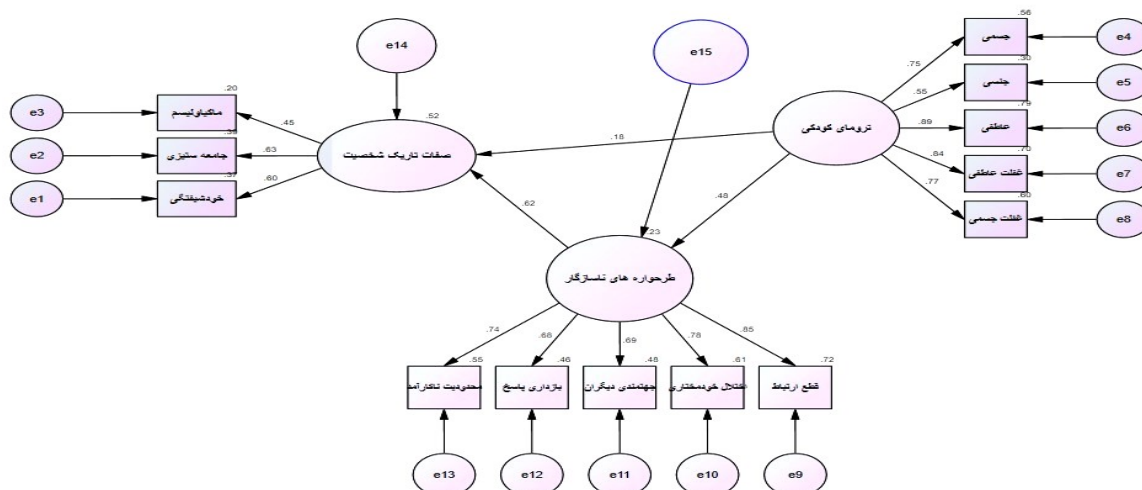
** $p \leq 0.01$

همان‌گونه که در جدول شماره یک نیز مشاهده می‌شود ضرایب کجی و کشیدگی در محدوده بین ۲- الی ۲+ می‌باشد که نشانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها است (Keller, 2015). علاوه بر آن بین ترومای کودکی ($r = 0.33, P < 0.01$) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه ($r = 0.49, P < 0.01$) با ویژگی‌های تاریک شخصیت ارتباط معنی‌داری مشاهده می‌شود که مطابق با این نتایج ادامه مسیر و انجام معادلات ساختاری بلامانع است.

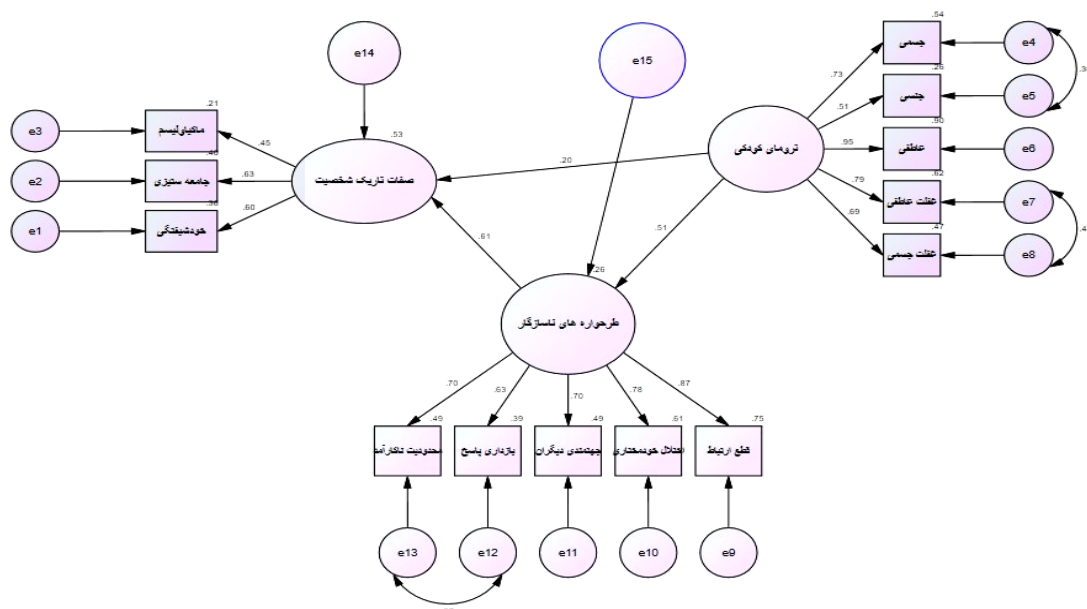
پیش از انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری، مفروضه‌های زیربنایی آن بررسی شد. عدم وجود داده‌های مفقود و پرت بررسی و تأیید شد. داده‌های پرت از طریق فاصله ماحالانوبیس در نرم‌افزار ایموس نیز بررسی شد، با توجه به این که نمره $p1$ نمونه از ۰/۵ بزرگ‌تر و نمره $p2$ آن‌ها نیز از ۰/۱ بزرگ‌تر محاسبه شده بود، بنابراین عدم وجود داده‌های پرت چند متغیری از این طریق نیز تأیید شد همچنین نرمال بودن توزیع نمونه نیز از طریق ضرایب کجی و کشیدگی بررسی و تأیید شد. برای بررسی عدم هم‌خطی چندگانه از شاخص‌های تولرانس و عامل تورم واریانس استفاده شد. حد مناسب برای تولرانس بین صفر تا یک و برای تورم واریانس کمتر از دو می‌باشد. آماره تولرانس کمتر از ۰/۹ و عامل تورم واریانس کمتر از ۱/۳ به دست آمد. با توجه به اینکه هر دو شاخص در محدوده مناسب قرار داشتند، بنابراین مفروضه عدم هم خطی چندگانه نیز تأیید شد. برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد. حد مطلوب برای آماره این آزمون بین ۱/۵ تا ۲/۵ است. در پژوهش آماره‌ی دوربین واتسون ۱/۸ به‌دست آمد، چون از حد مطلوب کمتر است، بنابراین وجود این مفروضه نیز تأیید شد (Kline, 2016).

با توجه به توضیحات داده‌شده مدل اولیه به‌شکل زیر ترسیم شد که طی آن ویژگی‌های تاریک شخصیتی به‌عنوان متغیر درون‌زای پنهان با سه خرده مقیاس؛ ترومای دوران کودکی به‌عنوان متغیر برون‌زای پنهان با پنج خرده مقیاس و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان متغیر میانجی پنهان با پنج خرده مقیاس در مدل به‌کار برده شدند. این مدل در نمودار ۲ ترسیم شد.

هم‌چنان که در نمودار ۲ نیز مشاهده می‌شود، در مدل پژوهش فرض بر این بود که ترومای دوران کودکی هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر صفات تاریک شخصیت اثرگذار هستند. در مدل‌سازی معادلات ساختاری شاخص‌های برازش مختلفی وجود دارد که از میان آن‌ها، مهم‌ترین این شاخص‌ها به‌همراه سطح مطلوب آن عبارت‌اند از: کای مربع بهنجار شده (CMIN/df) سطح مطلوب ۱ تا ۵، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازش تطبیقی (CFI) و برازش هنجار شده (NFI) با سطح مطلوب بزرگ‌تر از ۰/۹، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) و ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد (SRMR) با سطح مطلوب برابر یا کمتر از ۱ (Keller, 2015). در مدل پژوهشی فوق برخی از شاخص‌های ذکر شده از سطح مطلوب خارج بودند، به‌همین سبب برخی از شاخص‌های اصلاحی انجام و مدل نهایی گزارش گردید (نمودار ۳).



نمودار ۲. مدل اولیه پژوهش



نمودار ۳. مدل نهایی و اصلاح شده پژوهش

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مقادیر قابل قبول	برآورد اولیه	برآورد نهایی	نتیجه
نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی (χ^2/df)	< 5	۴/۶	۲/۹	عالی
جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)	< 0.1	۰/۰۹	۰/۰۸	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	> 0.9	۰/۹۰	۰/۹۳	عالی
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	> 0.9	۰/۸۸	۰/۹۱	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	> 0.9	۰/۸۹	۰/۹۳	عالی
میانگین مجذور باقیمانده‌های استاندارد شده (SRMR)	< 0.1	۰/۰۸	۰/۰۶	عالی

پس از تأیید برازش مدل پژوهش در ادامه و در جدول شماره ۳ ضرایب مسیرهای مدل پژوهش و معنی‌دار بودن آن‌ها ذکر شده است.

جدول ۳. ضرایب مسیرهای مدل

مسیر	Standardized Estimate	S.E	C.R	P
ترومای کودکی < صفات تاریک شخصیت	۰/۲۰	۰/۱۲	۲/۴	$P < ۰/۰۱$
طرحواره‌های ناسازگار < صفات تاریک شخصیت	۰/۶۱	۰/۰۹	۶/۲	$P < ۰/۰۱$
ترومای کودکی < طرحواره‌های ناسازگار	۰/۵۱	۰/۲۳	۵/۸	$P < ۰/۰۱$

در جدول شماره ۳ به ترتیب، ضرایب استاندارد، مقدار خطا، مقدار T و سطح معنی‌داری نشان داده شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول، مسیرهای ترومای کودکی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به صفات تاریک شخصیت مستقیم و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند. به منظور بررسی نقش میانجی در مدل پژوهش، از آزمون بوت استرپینگ استفاده شد. در این آزمون تعداد ۲۰۰۰ نمونه بوت استرپ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. اثرهای کل، مستقیم و غیرمستقیم مدل

مسیر	اثر	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
اثر کل ترومای کودکی بر صفات تاریک شخصیت	۰/۵۰	۰/۳۳	۰/۶۷	$P < ۰/۰۱$
اثر مستقیم ترومای کودکی بر صفات تاریک شخصیت	۰/۱۹	۰/۱۱	۰/۳۲	$P < ۰/۰۵$
اثر غیرمستقیم ترومای کودکی بر صفات تاریک شخصیت	۰/۳۱	۰/۲۱	۰/۳۹	$P < ۰/۰۱$
اثر ترومای کودکی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۰/۵۱	۰/۳۹	۰/۶۱	$P < ۰/۰۱$
اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر صفات تاریک شخصیت	۰/۶۱	۰/۳۸	۰/۵۳	$P < ۰/۰۱$

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۴ باید اشاره نمود که ترومای کودکی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر صفات تاریک شخصیت دانشجویان اثرگذار هستند ($p < ۰/۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی و ارزیابی مدل ساختاری صفات تاریک شخصیت دانشجویان براساس ترومای دوران کودکی و نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود. نتایج به دست آمده نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازندگی مطلوبی برخوردار بوده و ترومای دوران کودکی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم و از طریق نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بروز صفات تاریک شخصیت اثرگذار هستند؛ نتایجی که با یافته‌های حاصل از تحقیقات Jia et al. (2020)، Kircaburun et al. (2021)، Abdollahi et al. (2021)، Kim (2020) و Judith Ray and Fritzson (2024)؛ Güleç and Yıldız (2024) هم‌سو و با یافته‌های Shirazi Ferdowi et al. (2024) ناهم‌سو بود.

ترومای دوران کودکی به عنوان یکی از جدی‌ترین مسائلی است که بسیاری از افراد را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تجربیات آسیب‌زای کودکی می‌توانند اثرات ماندگاری را بر سلامت روانی و عاطفی فرد برجای گذارند. یکی از جنبه‌هایی که به دلیل شکل‌گیری در دوران کودکی به شدت از ترومای کودکی اثر می‌پذیرد مبحث شخصیت و الگوهای مختلف آن است. در همین زمینه مطالعات مختلف نشان می‌دهند که تجربه تروما در دوران کودکی می‌تواند احتمال بروز الگوهای تاریک و آسیب‌زای شخصیت را افزایش دهد. صفات شخصیتی تاریک و الگوهای سه‌گانه آن _روان پریشی،

خودشیفتگی و ماکیاولیسم_ به وضعیتی اشاره دارد که در آن ناتوانی در همدلی و رفتارهای فریبکارانه و آزارنده بخشی از الگوی رفتاری فرد را تشکیل می‌دهند (Jia et al., 2020).

تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند که آسیب‌های دوران کودکی و استرس مزمن ناشی از آن می‌توانند رشد طبیعی مغز و مناطق اصلی در تنظیم هیجانات و کنترل تکانه را مختل سازند؛ مسئله‌ای که می‌تواند منجر به واکنش‌پذیری عاطفی و مشکل در مدیریت احساسات خشم، ترس و غم شود. این بی‌نظمی عاطفی نیز می‌تواند موجب بروز رفتارهای ضداجتماعی شود. مطالعات مختلف نیز نشان می‌دهند که این افراد اغلب در تشخیص و درک احساسات خود و دیگران مشکل دارند، شرایطی که می‌تواند چرخه‌های پرخاشگری و فریب‌کاری را به عنوان مهم‌ترین مشخصه صفات تاریک شخصیت در آن‌ها تداوم بخشد (Abdollahi et al., 2021). تأثیر آسیب‌های دوران کودکی بر شکل‌گیری شخصیت تحت تأثیر محیط یادگیری اجتماعی نیز می‌باشد. کودکان عمدتاً رفتارهای مراقبان و همسالانشان را الگوبرداری می‌کنند. اگر تروما منجر به چرخه خشونت و فریب‌کاری در روابط خانوادگی یا اجتماعی شود، کودکان ممکن است این رفتارها را به‌عنوان هنجارهای اجتماعی قابل قبول درونی کنند. مدل‌سازی این ایده را تقویت می‌کند که بی‌رحم و خودخواه بودن و از نظر عاطفی نیز سرد و جدا بودن برای بقا ضروری است؛ وضعیتی که امکان شکل‌گیری و رشد این ویژگی‌های تاریک را تقویت می‌کند. یکی دیگر از مکانیسم‌هایی که از طریق آن آسیب‌های دوران کودکی زمینه لازم برای بروز ویژگی‌های شخصیتی تاریک را فراهم می‌نمایند از طریق تغییر سبک‌های دلبستگی است. یک دلبستگی ایمن که در دوران کودکی ایجاد می‌شود، انعطاف‌پذیری و روابط بین فردی سالم را موجب می‌شود این در حالی است که آسیب‌های دوران کودکی و الگوی دلبستگی ناایمن در پی آن می‌تواند منجر به مجموعه‌ای از ویژگی‌های ناسازگار شود. کودکانی که غفلت یا آزار عاطفی را تجربه می‌کنند ممکن است سبک‌های دلبستگی اجتنابی یا مضطرب را ایجاد کنند؛ شرایطی که می‌تواند منجر به خودمرکزبینی و ناتوانی در همدلی و ارتباط واقعی با دیگران می‌شود. این رویکرد خودمحورانه با ویژگی‌های خودشیفتگی همسو است که در آن افراد ممکن است دیگران را ابزاری برای سود و منفعت خود ببینند.

یکی دیگر از ویژگی‌های تاریک شخصیتی که ممکن است در نتیجه آسیب‌های دوران کودکی بروز یابد، جامعه‌ستیزی است. این صفت شخصیتی عمدتاً با فقدان پشیمانی و احساس گناه، احساسات سطحی و تمایل به زیر پا گذاشتن هنجارها و قوانین همراه است. افرادی که در دوران کودکی تروماهای مختلفی را تجربه کرده‌اند ممکن است ویژگی‌های جامعه‌ستیزی را به‌عنوان راهی برای مقابله با احساسات منفی مانند ترس، غم و شرم نشان دهند؛ احساسات منفی که عمدتاً از دوران کودکی و به دلیل آسیب‌های دیگران ایجاد شده است (Kircaburun et al., 2021). علاوه بر موارد فوق آسیب‌های دوران کودکی نیز می‌توانند در رشد صفات ماکیاولیسم نیز نقش داشته باشند. ماکیاولیسم با دستکاری، فریب و سوءاستفاده از دیگران مشخص می‌شود. افرادی که در دوران کودکی تروما را تجربه کرده‌اند ممکن است ویژگی‌های ماکیاولیستی را به‌عنوان وسیله‌ای برای بقا در یک محیط خصمانه یا خطرناک اتخاذ کنند. با استفاده از دستکاری و فریب دیگران، آن‌ها می‌توانند قدرت و نفوذ لازم را به دست آورده و امنیت خود را تضمین کنند.

از سوی دیگر ترومای کودکی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه نیز می‌تواند بر شکل‌گیری صفات تاریک شخصیت اثرگذار باشد. طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای ریشه‌دار و عمیق تفکر و رفتار هستند که در دوران کودکی شکل گرفته و ادراک فرد را از خود، دیگران و دنیای اطرافشان را می‌سازند. اعتقاد بر این است که این طرحواره‌ها عمدتاً نتیجه تجربیات منفی یا آسیب‌زا در دوران کودکی هستند و می‌توانند منجر به طیف وسیعی از مسائل و مشکلات روانشناختی مختلف در بزرگسالی شوند، که یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها مسئله ویژگی‌های شخصیتی تاریک می‌باشد. هنگامی که کودکان با رویدادهای آسیب‌زای مختلف مواجه می‌شوند - اعم از غفلت عاطفی، آزار جسمی یا مشاهده موقعیت‌های ناراحت‌کننده - عمدتاً در معرض خطر بیشتری برای درونی کردن دیدگاه‌های تحریف شده از خود و روابط با دیگران قرار می‌گیرند. چنین تحریف‌های شناختی می‌توانند به‌عنوان باورهای منفی در مورد ارزش خود و مسئله

اعتماد به دیگران بروز یابند. بدین معنا که این کودکان ممکن است باورهای منفی در مورد خود مانند احساس بی‌لیاقتی، دوست داشتنی نبودن یا بی‌کفایتی را درونی کنند. این باورها نیز می‌توانند ریشه‌دار شده و نحوه نگرش آن‌ها به خود و روابط خود با دیگران را شکل دهند. برای مثال، کودکی که آزار جسمی را تجربه می‌کند ممکن است این باور را ایجاد کند که دوست‌داشتنی نیست و ارزش مراقبت را ندارد، وضعیتی که منجر به مشکلاتی در ایجاد طرحواره‌های نقص/شرم در بزرگسالی می‌شود (Pilkington et al., 2021). همچنین در اوایل دوران کودکی، مغز فرد در حال تکامل و شکل‌گیری است و تجربیات مختلف به‌طور قابل توجهی بر آن و الگوهای شناختی مختلف اثرگذار هستند. بروز تجارب آسیب‌زا در دوران کودکی می‌تواند باعث شود که رشد شناختی کودک دچار نقص شده و توانایی او برای پردازش صحیح اطلاعات محدود گردد. در نتیجه، درک کودکان از جهان و روابط با دیگران تحت تأثیر ترس، بی‌اعتمادی و ناامیدی شکل گرفته و اغلب با تشدید اضطراب، عصبانیت یا ناامیدی نیز همراه است. در این حالت کودک ممکن است باورهای سفت و سختی در مورد نحوه تعامل با خود و دیگران شکل داده و اساساً طرحواره‌های ناسازگاری را به‌عنوان راهبردهای مقابله‌ای و نظم‌بخشی هیجانی شکل دهد (May et al., 2022).

از سوی دیگر و مطابق با تحقیقات متعدد صورت پذیرفته این الگوهای عمیق شناختی نیز می‌توانند بر احتمال شکل‌گیری و رشد صفات شخصیتی تاریک اثرگذار باشند. یکی از راه‌هایی که احتمالاً طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند بر رشد ویژگی‌های شخصیتی تاریک تأثیر بگذارند، شکل دادن به جهان‌بینی و باورهای فرد در مورد خود و دیگران است. برای مثال، طرحواره رها شدن ممکن است ترس از طرد و دور ماندن از دیگران را ایجاد نماید، وضعیتی که به نوبه خود باعث می‌شود فرد از طریق رفتارهای فریب‌کارانه شرايطی را فراهم نماید تا از طرف دیگران طرد نشده و تنها نماند، شرايطی که با الگوهای رفتاری تاریک شخصیت مرتبط است. همچنین افراد دارای طرحواره‌های محرومیت عاطفی نیز ممکن است ترس از صمیمیت داشته باشند، که باعث می‌شود از دستکاری و فریب دیگران برای کنترل روابط خود استفاده کنند، مسئله‌ای که می‌تواند منجر به ناتوانی در همدلی و برقراری روابط معنادار با دیگران شود. به طور مشابه، افراد برخوردار از طرحواره‌های بی‌اعتمادی و سوءاستفاده نیز ممکن است نگرش بدبینانه‌ای را نسبت به دیگران داشته باشند؛ شرايطی که ممکن است بر احتمال بروز ویژگی‌های آزارگرانه اثرگذار باشد. این افراد ممکن است دیگران را به‌عنوان یک تهدید بالقوه ببینند و برای محافظت از خود دست به رفتارهای مختلفی بزنند (Kim, 2020).

علاوه بر موارد فوق، خودشیفتگی نیز اغلب از طرحواره‌های ناسازگار اولیه مربوط به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد و استحقاق-بزرگ‌منشی ناشی می‌شود. افرادی که در دوران کودکی تحسین و تمجید بیش‌ازحدی را تجربه می‌کنند، ممکن است طرحواره‌های بزرگ‌منشی را درونی سازند که منجر به شکل‌گیری حس برتر بودن از دیگران می‌شود. این وضعیت موجب می‌گردد تا به دنبال تأیید و جلب توجه دائمی از منابع بیرونی باشند. در نتیجه چنین افرادی ممکن است طیفی از رفتارهای ناسازگارانه را برای محافظت از عزت نفس شکننده خود نشان دهند، وضعیتی که ممکن است به‌صورت تمایلات خودشیفتگی ظاهر شود (Judith Ray & Fritzon, 2024). علاوه بر آن رشد و تحول در محیط‌هایی که محدودیت‌ها و هنجارهای مشخصی از طرف والدین وجود ندارد ممکن است زمینه شکل‌گیری طرحواره‌هایی شود که در آن ارتباطات بین‌فردی و احترام به دیگران بی‌ارزش تلقی می‌شود. فقدان مراقبت مناسب می‌تواند منجر به این باور شود که ارتباطات عاطفی یک ضعف است یا می‌توان حقوق دیگران را زیر پا گذاشت. این وضعیت نیز می‌تواند در بزرگسالی به‌عنوان ویژگی‌های ضداجتماعی و ماکیاولیستی ظاهر شود، جایی که فرد بدون پشیمانی هنجارها و حقوق دیگران را پامال کرده و از دیگران برای رسیدن به منافع شخصی استفاده می‌کند.

به‌طورکلی و با عنایت به تمام اطلاعات ارائه‌شده باید اشاره نمود که صفات شخصیتی تاریک الگویی از رفتارهای فریب‌کارانه، بی‌اعتمادی و سوءاستفاده از دیگران است که در تعاملات اجتماعی مختلف فرد اثر گذاشته و اغلب زمینه بروز مشکلات و پیامدهای آسیب‌زای متعددی را فراهم می‌سازد. پیامدهای آسیب‌زای این مسئله مخصوصاً در روابط بین‌فردی

بررسی عمیق‌تر این پدیده را ضروری ساخته است. به همین واسطه تحقیق حاضر با هدف طراحی و ارزیابی مدل ساختاری صفات تاریک شخصیت دانشجویان براساس ترومای دوران کودکی و نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود. نتایج به‌دست آمده نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازندگی مطلوبی برخوردار بوده و ترومای دوران کودکی هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم و از طریق نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بروز صفات تاریک شخصیت اثرگذار هستند.

این مطالعه نیز همچون پژوهش‌های دیگر دارای محدودیت‌هایی بود. نخستین محدودیت این مطالعه ناتوانی در کنترل متغیرهایی مثل وضعیت هوشی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانشجویان بود، مسئله‌ای که می‌تواند تعمیم نتایج را با چالش‌هایی روبه‌رو سازد، بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده نسبت به کنترل کردن این موارد اقدام شود. دیگر محدودیت این مطالعه ناتوانی در بهره‌گیری از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی به‌شکل مستقیم بود، مسئله‌ای که پژوهشگران را ناچار به استفاده از نمونه‌گیری در دسترس به‌صورت مجازی نمود به همین واسطه پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی به‌صورت مستقیم بهره گرفته شود. ضمناً با توجه به پیامدهای صفات شخصیتی تاریک در دانشجویان و نیز اثرگذاری ترومای کودکی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر بروز آن، پیشنهاد می‌شود مسئولان مربوطه بررسی دقیق‌تر این موارد را در اولویت قرار داده و با اجرای مداخلات لازم، از بروز پیامدهای آسیب‌زای آن پیشگیری نمایند.

References

- Abdollahi, M., Dorbani, S. A., & Sa'adati, N. (2021). Childhood trauma experiences and dark personality traits in women: The mediating role of social support. *Women's Psychology*, 2(3), 67–78. <https://www.journals.kmanpub.com/index.php/psywoman/article/view/156/169>
- Abusaeedi Jirofti, S., Marouf Soufiyan, A., Ne'mati Sogoli Tapeh, F., & Hashemi Nosratabad, T. (2024). The mediating role of maladaptive emotion regulation in the relationship between dark personality traits and cyber aggression. *Ravanshenasi Royesh*, 13(5), 57–66. <https://frooyesh.ir/article-1-5118-fa.html>
- Ahi, G., Mohammadi Far, M. A., & Besharat, M. A. (2007). Reliability and validity of the short form of Young's Schema Questionnaire. *Psychology and Educational Sciences*, 37(3), 20–25. <https://sid.ir/paper/55767/fa>
- Ardic, K., & Ozsoy, E. (2016). Examining the relationship between the Dark Triad traits and Big Five personality dimensions. *Proceedings of the Fifth European Academic Research Conference on Global Business, Economics, Finance and Banking (EAR16 Turkey Conference)*, 1614. <https://doi.org/311680942>
- Atadokht, A., Noori Laski, Sh., Nabipour, M., & Zarei Norouzi, M. (2024). Structural model of internet addiction in couples based on dark personality traits and the mediating role of loneliness. *New Ideas in Psychology*, 9(24), 1–20. <https://jnip.ir/article-1-1143-fa.html>
- Baldassano, C., Hasson, U., & Norman, K. A. (2018). Representation of real-world event schemas during narrative perception. *Journal of Neuroscience*, 38(45), 9689–9699. <https://doi.org/10.1523/JNEUROSCI.0251-18.2018>
- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T., ... & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child Abuse & Neglect*, 27(2), 169–190. [https://doi.org/10.1016/S0145-2134\(02\)00541-0](https://doi.org/10.1016/S0145-2134(02)00541-0)
- Brown, M., Worrell, C., & Pariante, C. M. (2021). Inflammation and early life stress: An updated review of childhood trauma and inflammatory markers in adulthood. *Pharmacology Biochemistry and Behavior*, 211, 173291. <https://doi.org/10.1016/j.pbb.2021.173291>
- Czarna, A. Z., Jonason, P. K., Dufner, M., & Kossowska, M. (2016). The Dirty Dozen Scale: Validation of a Polish version and extension of the nomological net. *Frontiers in Psychology*, 7, 445–460. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2016.00445>

- Ebrahimi, G., Ghazanfari, A., Mashhadizadeh, Sh., & Rahimi, S. (2023). The relationship between childhood trauma and suicidal thoughts with the mediating role of early maladaptive schemas. *Psychiatric Nursing*, 11(1), 94–105. <https://doi.org/10.22034/IJPN.11.1.94>
- Ebrahimi, H., Dehkam, M., & Seghatoleslam, T. (2013). Childhood trauma and suicide attempts in adulthood. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 19(4), 275–282. <http://ijpcp.ium.s.ac.ir/article-1-2090-fa.html>
- George, F. R., & Short, D. (2018). The cognitive neuroscience of narcissism. *Journal of Brain Behaviour and Cognitive Sciences*, 1(6), 1–9. <https://doi.org/22149>
- Greitemeyer, T., & Sagioglou, C. (2021). Predictors of nonsuicidal self-injury: The independent contribution of benign masochism and antisocial personality. *Personality and Individual Differences*, 168, 110380. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110380>
- Güleç, S., & Yıldız, H. (2024). Early maladaptive schemas as predictors of narcissism: The mediating role of self-esteem. *Current Perspectives in Social Sciences*, 28(2), 240–249. <https://doi.org/10.53487/ataso.bed.1419849>
- Harrison, A., Summers, J., & Mennecke, B. (2018). The effects of the dark triad on unethical behavior. *Journal of Business Ethics*, 153, 53–77. <https://doi.org/10.1007/s10551-016-3368-3>
- Jia, X., Wang, Q., & Lin, L. (2020). The relationship between childhood neglect and malevolent creativity: The mediating effect of the dark triad personality. *Frontiers in Psychology*, 11, 613695. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.613695>
- Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*, 22(2), 420. <https://doi.org/10.1037/a0019265>
- Jonason, P. K., & Zeigler-Hill, V. (2018). The fundamental social motives that characterize dark personality traits. *Personality and Individual Differences*, 132, 98–107. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.05.031>
- Judith Ray, S., & Fritzon, K. (2024). Working in the dark? Exploring the relationship between the Dark Triad and early maladaptive schemas. *Trends in Psychology*, 1–21. <https://doi.org/10.1007/s43076-024-00374-3>
- Keller, G. (2015). *Statistics for management and economic, abbreviated*. United States: Cengage Learning. <https://www.amazon.com/Statistics-Management-Economics-Abbreviated-Gerald/dp/1285869648>
- Kim, T. (2020). The Dark Triad and early maladaptive schemas in a sample of undergraduate women (Doctoral dissertation, The Chicago School of Professional Psychology). <https://doi.org/10.34297/AJSR.2023.19.002595>
- Kircaburun, K., & Griffiths, M. D. (2018). The dark side of the internet: Preliminary evidence for the associations of dark personality traits with specific online activities and problematic internet use. *Journal of Behavioral Addictions*, 7(4), 993–1003. <https://doi.org/10.1556/2006.7.2018.109>
- Kircaburun, K., Jonason, P., Griffiths, M. D., Aslanargun, E., Emirtekin, E., Tosuntaş, Ş. B., & Billieux, J. (2021). Childhood emotional abuse and cyberbullying perpetration: The role of dark personality traits. *Journal of Interpersonal Violence*, 36(21–22), NP11877–NP11893. <https://doi.org/10.1177/0886260519889930>
- Kline, R. (2016). Data preparation and psychometrics review. *Principles and practice of structural equation modeling* (4th ed., pp. 64–96). New York, NY: Guilford.
- Lorzangeneh, S., & Soleimani, E. (2022). Examining the structural relationship model of childhood trauma and cognitive distortions with narcissistic personality disorder: The mediating role of early maladaptive schemas. *Clinical Psychology Studies*, 12(48), 85–108. <https://doi.org/10.22054/jcps.2023.58635.2508>
- May, T., Younan, R., & Pilkington, P. D. (2022). Adolescent maladaptive schemas and childhood abuse and neglect: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 29(4), 1159–1171. <https://doi.org/10.1002/cpp.2712>

- Mirdrikvand, F. (2023). Evaluation of the structural model explaining behavioral and emotional disorders in abused children based on cognitive flexibility and adverse childhood experiences of parents with the mediating role of self-concept. *Psychological Achievements*, 30(1), 240–260. <https://doi.org/10.22055/psy.2022.40407.2821>
- Muris, P., Merckelbach, H., Otgaar, H., & Meijer, E. (2017). The malevolent side of human nature: A meta-analysis and critical review of the literature on the Dark Triad. *Perspectives on Psychological Science*, 12(2), 183–204. <https://doi.org/10.1177/1745691616666070>
- Pilkington, P. D., Bishop, A., & Younan, R. (2021). Adverse childhood experiences and early maladaptive schemas in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 28(3), 569–584. <https://doi.org/10.1002/cpp.2533>
- Ravishankar, A., & Sathiyaseelan, A. (2022). Impact of childhood trauma on psychological distress and personality pathology in young adults. *ECS Transactions*, 107(1), 3129. <https://doi.org/10.1149/10701.3129ecst>
- Sayyad Shirazi, M., Ramazani, M. A., & Taghva, H. (2023). Understanding emotional pain in the lived experience of women with childhood trauma. *Psychological Sciences*, 22(121), 93–106. <https://doi.org/10.52547/JPS.22.121.93>
- Shirazi Ferdowi, A., Manouchehri, M., Salahian, A., & Nasrollahi, B. (2024). Structural equation modeling of the relationship between childhood trauma and dark personality traits with the mediating role of self-regulation, mentalization, and attachment styles. *Psychological Sciences*, 23(136), 981–995. <https://doi.org/10.52547/JPS.23.136.981>
- Spirou, D., Raman, J., Bishay, R. H., Ahlenstiel, G., & Smith, E. (2022). Childhood trauma, posttraumatic stress disorder symptoms, early maladaptive schemas, and schema modes: A comparison of individuals with obesity and normal weight controls. *BMC Psychiatry*, 22(1), 517–530. <https://doi.org/10.1186/s12888-022-04169-7>
- Wilson, K., Van Doorn, G., & Dye, J. (2023). Vulnerable dark traits mediate the association between childhood adversity and suicidal ideation. *Personality and Individual Differences*, 202, 111959.
- Young, J. E. (2003). *Schema therapy for borderline & narcissistic personality disorders*. Pittsfield, MA: New England Educational Institute.
- Yousefi, R., & Piri, F. (2016). Psychometric properties of the Persian version of the Dirty Dozen Questionnaire. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology (Andisheh & Raftar)*, 22(5), 67–76.